

یادداشت

نامه‌ای به رئیس‌جمهور آینده:در باب مسئله سالمندی

زینب نصیری

مددکار اجتماعی و مدیرکل سلامت سابق شهرداری تهران

در این روزهای باقی‌مانده تا انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، با امید به آنکه شاهد انتخاباتی آزاد، معنادار و رقابتی باشیم، قصد دارم روزانه در باب یکی از مسائل اجتماعی ایران، نامه‌ای به رئیس‌جمهور آینده بنویسم.
باور دارم اگر رئیس‌جمهور از مسیر رقابت انتخاباتی بر مسند خدمت به مردم قرار گیرد، این سخنان را خواهد شنید. پس با امید به سیاست‌گذاری درست برای فردای ایران، خواهم نوشت…

آقا یا خانم رئیس‌جمهور

جامعه ایران در حال پیرشدن است. طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، ۱۰/۳ درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل می‌دهند که بیش‌بینی می‌شود نسبت آن تا کمتر از ۲۰ سال آینده به حدود ۲۵ درصد برسد. یعنی از هر چهار ایرانی یک نفر سالمند! این در حالی است‌که با وجود شورای ملی سالمندی در ذیل سازمان بهزیستی کشور و عضویت اکثر دستگاه‌ها در این شورا، با نوعی بی‌دولتی در حوزه سالمندی مواجه هستیم.

نسلی که با تولدش تعداد فیلم‌های سینمایی کودک افزایش یافت، با بزرگ‌شدنش تعداد مدرسه و میز و نیمکت به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت تبدیل شد و وقتی به سن کنکور رسید، رقابت‌های کنکور به بالاترین حد خود رسید، همان نسلی است‌که در دهه اخیر با انواع مسائلی بی‌کاری، مسکن و اجاره‌نشینی درگیر بوده و از هم‌اکنون نگران فردای خود است و خود را در آستانه انواع چالش‌های دوره سالمندی می‌بیند!

خانم یا آقای رئیس‌جمهور

سالمندی امری اجتناب‌ناپذیر و بخشی از چرخه عمر همه ماست. برهه‌ای از زندگی که در شرایط حکمرانی خوب، می‌توانست یکی از بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین دوره‌های زندگی تلقی شود، در شرایط ناسیاست‌گذاری با پیشوند «بحران» برساخت شده است و صرفاً با تکرار بحران سالمندی، بر طبل ناکارآمدی و فقدان سیاست‌گذاری مؤثر کوبیده می‌شود! هرم جمعیتی بارها تحلیل می‌شود، اما دست‌فرمان‌ها نشان می‌دهد قرار است دوباره و صدمباره غافلگیر شویم. به دلیل فقدان سیاست‌های کارآمد در حوزه سالمندی، امروز در کنار نبود برنامه‌های رفاهی و مراقبت اجتماعی مؤثر، شاهد نقش سن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تبعیض و پیش‌داوری هستیم. رویکردهایی که به جای تقویت سالمندی فعال، افراد را به سمت کاهش نقش و منزلت‌شان و ابتلا به انواع بیماری‌ها سوق می‌دهد. شرایطی که نه‌تنها به تبعیض سنی علیه سالخوردگان در محیط خانواده، کار و جامعه دامن می‌زند، بلکه هر روز آنها را تنهاتر می‌کند. سیاست‌هایی که با وجود تأکید کلّامی بر خانواده‌محوری، کمترین میزان حمایت را از نهاد خانواده داشته و در شرایط فقدان یک نظام کارآمد رفاه اجتماعی، موجب تشدید انواع سالمندآزاری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روانی و جسمی شده است. سخن کوتاه کنم و در پایان مهم‌ترین اقداماتی را که معتقدم در برنامه‌های شما می‌بایست به‌جدیت مدنظر قرار گیرد و برای حرکت در مسیر تحقق آنها با مردم میثاق ببینید، ارائه می‌نمایم:

۱- ایجاد وزارت سالمندی: حل مسئله سالمندی نیازمند اختصاص منابع مالی و انسانی، یکپارچه‌سازی ساختارهای پراکنده و ایجاد ساختاری کارآمد در این حوزه است. ۲- آمایش جمعیت سالمندان مبتنی بر تنوع و تکثر سبک زندگی در ایران و تفاوت در نظام مسائل ۳- پیوستن به شبکه جوامع دوستدار سالمند؛ پایبندی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای شاخص‌های مرتبط با دسترس‌پذیری و مناسب‌سازی فضاهای شهری، حمل‌ونقل، مسکن، ارتباطات و اطلاعات، اشتغال، خدمات بهداشتی، حمایت و مشارکت اجتماعی ۴/ تعهد و اقدام در چارچوب سیاست‌های مراقبت اجتماعی در قالب برنامه‌های حامی رفاه خانواده و مراقبت و مراقبت‌کنندگان سالمندان در درون شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی ۵- حمایت از راه‌اندازی مراکز مراقبت روزانه در مقابل مراکز مراقبتی دائم؛ با وجود شیوه‌نامه قانونی از این مراکز، به دلیل بالابودن ارزش زمین در ایران و فقدان سیاست‌های ترویجی، هم‌اکنون این مراکز انگشت‌شمار هستند. ۶- حمایت از شبکه‌های اجتماعی سالمندان در راستای توانمندسازی و باور به ظرفیت‌های فکری، دانشی و اجرایی سالمندان ۷- حمایت از تأسیس و گسترش دانشگاه‌های نسل سوم / ۸- سیاست‌گذاری پویا و کارآمد در سلامت سالمندی و پیشگیری از بیماری‌های دوره سالمندی ۹- اصلاح سیاست‌های اقتصادی و رفاهی در راستای «سالمندی خوب و فعال» و مقایله سیاست‌های کاهنده استقلال و توانمندی سالمندان / ۱۰- یک‌پردن کشف معیشتی مستمری‌گیران و بازنشکستان /۱۱- ایجاد صندوق ملی سالمندی و سیاست‌گذاری در راستای تأمین منابع مورد نیاز در سال‌های آتی.

خبر

ارزیابی خطر آب‌های آشامیدنی از سرچشمه

ایسنا: رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با اشاره به اقدامات مورد لزوم برای تأمین آب آشامیدنی سالم و ارزیابی خطر آب از سرچشمه گفت: تعامل خوبی میان وزارتخانه‌های نیرو و بهداشت برقرار است و این دو مجموعه برای تأمین آب آشامیدنی سالم و رفع مشکلات احتمالی تلاش می‌کنند.

جعفر جندقی با بیان اینکه به منظور دسترسی به آب آشامیدنی سالم اقداماتی طی چندین مرحله انجام می‌شود، اظهار کرد: ایمنی منابع آب آشامیدنی از طرح‌های منحصربه‌فرد ایران در سطح منطقه به حساب می‌آید؛ به نحوی که مقام عالی وزارت در نشست اعضای پیمان شانگهای درباره دسترسی به آب آشامیدنی سالم نیز گزارشی ارائه داده است.

وی ادامه داد: وزارت بهداشت نسبت به منابع آب آشامیدنی ارزیابی خطر می‌کند؛ منظور از «ارزیابی خطر آب از سرچشمه» این است که تمام خطرهای احتمالی از سرچشمه بررسی می‌شود و تمام دستگاه‌های متولی تأمین آب آشامیدنی بر این موضوع اهتمام دارند و به دنبال حذف خطرات هستند که اطمینان خاطر بیشتری برای دسترسی به آب آشامیدنی سالم وجود داشته باشد. رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با بیان اینکه البته اقدامات فقط محدود به ارزیابی خطرات در سرچشمه نمی‌شود، گفت: آب آشامیدنی در مسیری که به دست مصرف‌کننده می‌رسد نیز کنترل می‌شود. میزان کلر موجود در آب باید ۰۲ تا ۰۵ PPM باشد که از منظر بیولوژیکی مشکل ایجاد نکند. جندقی افزود: ارزیابی شیمیایی، فیزیکی و دیگر مواد زیان‌آور آب از دیگر مواردی است که در ارتباط با دسترسی به آب آشامیدنی سالم انجام می‌شود. ارزیابی‌ها به طرق مختلف انجام می‌شود؛ یعنی برخی ارزیابی‌ها به صورت روزانه، هفتگی، سه‌ماهه و سه‌ماه یکبار انجام می‌شود.

رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با بیان اینکه وزارت نیرو متولی تأمین آب آشامیدنی است، گفت: وزارت بهداشت در صورت مشاهده هرگونه مشکل در مسیر تأمین آب آشامیدنی، موضوع را به متولی این امر اعلام می‌کند. تعامل خوبی میان وزارتخانه‌های نیرو و بهداشت برقرار است و این دو مجموعه برای تأمین آب آشامیدنی سالم و رفع مشکلات احتمالی تلاش می‌کنند.

گزارش

گزارش «شرق» از تخلفات گسترده در امتحان نهایی بزرگسالان

دیپلم پولی برای آینده‌سازان فردا



شهرزادهمتی

دارد». مگر چه مبلغی جابه‌جا می‌شود؟ این را می‌پرسیم و رضایی می‌گوید: «نمی‌دانم. مبالغ درشت هستند… اما کسی متوجه نمی‌شود… داستان این‌طور است که مدیران مدارس غیرانتفاعی مذکور با مدیر مدرسه دولتی که حوزه امتحانی است، می‌بندند! من خودم مراقب بوده‌ام… سؤال و جواب را دستم داده‌اند… گفتند پخش کن.»

در امتحان نهایی پایه دوازدهم؟ این را من می‌پرسم و او می‌گوید: «بله! در امتحان نهایی پایه دوازدهم… جالب اینجاست که بستگی به شانست کلید جواب‌ها را داری! یعنی رندومی سؤال و جواب از طرف مراقب پخش می‌شود. ممکن است شما کلیدی با ۱۲ نمره دست بیفتد، من با ۱۶ نمره و همکار شما کلیدی با ۲۰ نمره بگیرد… خود تو هم که قبلاً چیزی نخوانده‌ای و خیالت راحت است و اصلاً بیشتر از ۱۲ نمره‌ای که به دستت داده‌اند، بلد نیستی بنویسی». به گفته رضایی حتی برگه‌ها از طرف افرادی تصحیح می‌شود که هیچ ربطی به مدرسه ندارند. اتفاقی که در امتحان نهایی می‌افتد و بسیار عجیب به نظر می‌رسد. او می‌گوید: «مدیر مدرسه دولتی برگه را برای تصحیح در اختیار افرادی قرار می‌دهد که نه معلم هستند، نه درکنش شده‌اند و نه اصلاً متخصص درس مربوطه هستند! هر ورقه‌ای که تصحیح می‌شود، در ازایش پرداختی انجام می‌شود. به این صورت است که بخشی از پول به مصحح داده می‌شود و مابقی در جیب مدرسه و مدیر آن می‌رود. تصحیح این ورقه کاری ندارد. دانش‌آموز از روی کلید نوشته و تصحیح برگه‌ای که از روی کلید پاسخ دارد که کاری ندارد! اصلاً نیازی نیست دبیر فیزیک باشی و برگه را تصحیح کنی.»

پیکیری می‌کنیم

ماجرا عجیب به نظر می‌رسد… چند نفر از خبرنگاران را که در روزنامه حضور دارند، دعوت می‌کنیم تا در تحریریه حضور پیدا کنند و صحبت‌های رضایی را بشنوند. رضایی می‌گوید: «این مسئله محدود به مدرسه نیست. یک سازمانی‌یافتگی دارد؛ جایی هست که سؤالات امتحان نهایی را پیش از ساعت مقرر به مدرسه می‌رساند، کلیدهای مختلف آماده شده تا رندومی به دانش‌آموز برسد. پس مسئله به مدرسه ختم نمی‌شود…» رضایی می‌گوید: «شما ببینید اولیای مدرسه چه چیزی را به دانش‌آموز یاد می‌دهند؟ چه چیزی را پخش می‌کنند؟ چه راهی را به کارمندی یاد می‌دهند که آمده دیپلم بگیرد و استخدام رسمی شود یا ترغیب بگیرد؟ چه کاری با آن سیستمی می‌کند که این‌طوری دیپلم می‌گیرد؟ چه بلایی بر سر طرزتفکر او خواهد آمد؟ رشوه بده تا کارت راه بیفتد و رشوه بگیر تا باز هم کارت راه بیفتد. به نظرم آنها تا آخر عمر درگیر این ماجرا خواهند شد و همه امور را هم بدون اطلاع قبلی نیامدی امتحان بدهی. رضایی در پاسخ به این سؤال که در برابر مقاومت معلمان و کادر مدرسه واکنش مدیر چیست؟ می‌گوید: «او می‌داند که ما می‌دانیم. یک عده‌ای با خودش هماهنگ هستند. بقیه را هم نشنیده می‌گیرد. ماجرای جالب‌تر این است که تاریخ امتحان نهایی‌که از طرف وزارت آموزش و پرورش اعلام شده، به هر دلیلی به دل دانش‌آموز نمی‌نشیند! می‌آید و می‌گوید: من روز چهارشنبه که مثلاً امتحان فیزیک داریم، نیستم. سفر هستم… مسئول می‌گوید: اشکالی ندارد! هزینه‌اش را می‌دهی؟ او هم قبول می‌کند…» دانش‌آموز به دفتر فلانی

اجراع می‌شود و حساب می‌کند و روز چهارشنبه که سفر تشریف دارند، یکی را می‌شنانند و برایش می‌نویسند! یا اصلاً شما به هر دلیلی بدون اطلاع قبلی نیامدی امتحان بدهی. بعد به مدرسه می‌آیی و درخواست رفع مشکل می‌کنی… دوباره به دفتر فلانی اجراع می‌شوی و حساب‌وکتاب می‌شود و نمره می‌گیرد…» رضایی جرعه‌ای آب می‌نوشد و می‌گوید: «جالب اینجاست که طرف از دستگاه نظارتی می‌آید و می‌خواهد دیپلم بگیرد… این چطور می‌تواند ناظر ظرفی باشد؟ آخر این چه سبکی است را افتاده؟». این مدرسه پسرانه است و او می‌گوید مدارس دیگری هم هستند که این کار را انجام می‌دهند. او می‌گوید: «پس از به‌جا‌آوردن برخی مناسک در امتحان به داوطلبان گفته می‌شود که برای دادن امتحان ۱۵ دقیقه وقت دارند! طبیعی هم هست… یک ربع از روی کلید می‌نویسند و همه چیز تمام می‌شود… بعضی حتی بلد نیستند بنویسند… مراقب برایشان می‌نویسد تا وقت تلف نشود.»

خبر

انتظارات جامعه‌کارگری از مجلس دوازدهم

ایلسا: مجلس یازدهم در حالی به پایان رسید که کارگران به دلیل برخی از مصوبات ضد کارگری و به نتیجه نرسیدن برخی دیگر از طرح‌ها، خاطره چندان خوشی از آن ندارند؛ افزایش سن بازنشستگی، حذف بندی از الحاقیه ماده ۲۹ درباره تعهد دولت به پرداخت بدهی خود به تأمین اجتماعی و در کل تصویب بندهایی در برنامه هفتم توسعه که به نفع کارگران و بازنشستگان نبود، تصویب اصلاحیه ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی به حداقلی‌ترین شکل ممکن، تطویل طرح ساماندهی کارکنان دولت و بی‌نتیجه‌ماندن آن تا این لحظه و… مواردی هستند که نشان می‌دهد رویه و اقدامات مجلس یازدهم همسو و همراه با منافع کارگران نبوده است.

سید سعید فتاحی، رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان آذربایجان شرقی، درباره اقدامات مجلس یازدهم و انتقاد از برخی مصوبات این مجلس گفت: مجلس شورای اسلامی با مصوبات ضد کارگری خود به ایستگاه آخر رسید و بزرگ‌ترین ظلمی که در آن مجلس به کارگران شد، تصویب افزایش سن بازنشستگی بود که اگر در مجلس دوازدهم در این مصوبه تجدید نظر نشود، کارگرانی که مدت بیمه‌پردازی آنها زیر ۱۵ سال است، به جای ۳۰ سال کار باید ۳۵ سال کار کنند تا به دوران بازنشستگی برسند. ما تأکید داریم که این اقدام ظلم در حق کارگران است، چراکه بسیاری از این‌کارگران حداقل‌بگیر هستند و مجبورند دو شیفت کار کنند تا هزینه‌های زندگی را تأمین کنند.

فتاحی همچنین به تصویب قانون مالیات به صورت پلکانی اشاره کرد و گفت: کارگری که باید برای تأمین هزینه‌ها دو شیفت سرکار بااستد تا درآمد خود را به حدی برساند که هزینه‌های خیلی معمولی و البته اساسی خانواده خود را تأمین کند، سه ماه باید مالیات اضافه‌کاری خود را بپردازد، یعنی کارگر از وقت خانواده خود می‌زند و اضافه‌کاری می‌کند اما بخشی از آن را باید مالیات بدهد. اول اینکه سقف مالیات باید متناسب با خط فقر و نرخ سبب معیشت باشد. حقوق را مطابق با سطح معیشت تعیین نمی‌کنند و بعد سقف مالیات را هم پایین نگه می‌دارند که حتی کارگر حداقل‌بگیری که مجبور به انجام کار اضافی است، هم مالیات بپردازد.

فتاحی در ادامه با اشاره به آغاز به کار مجلس دوازدهم گفت: جامعه کارگری از نمایندگان دوره جدید مجلس شورای اسلامی انتظار دارد تا با دوفوریت درباره ابطال مصوبه افزایش سن بازنشستگی اقدام کنند. همچنین باید درباره ترمیم حقوق کارگران حساس باشند و از وزیر کار سؤال کنند که چرا دستمزد را بدون توجه به ماده ۴۱ قانون کار افزایش داده است.

پلانتکلیفی پردیس کتاب اصفهان

۱۷ روز از پلمب پردیس کتاب اصفهان گذشت و همچنان هیچ نشانی از بازگشایی این مجموعه فرهنگی نیست. تجربه‌های پیشین پلمب در این شهر نهایتاً یک هفته بوده و به نظر می‌رسد پلمب این کتاب‌فروشی، دلایل جدی‌تری دارد. براساس گزارش‌های ۲۸ رسیده، به هنگام برگزاری کارگزاران در روز ۳۱ اردیبهشت با سخنرانی خانم «سیده اکبرپوران»، نیروهای امنیتی به محل برگزاری رفته و اقدام به برهم‌زدن کارگاه و همچنین ضبط تلفن همراه پنج نفر از جمله خانم اکبرپوران کرده و سپس این مجموعه را پلمب کردند.

اما نکته عجیب ماجرا خبری است که خبرگزاری تسنیم همان روز کار کرد و در آن از بازداشت فرد معاند و مرتبط با رسانه‌های خارجی در یک کتاب‌فروشی در اصفهان خبر داد، درحالی‌که در واقعه یادشده هیچ فردی دستگیر نشده بود. مجموعه فرهنگی پردیس کتاب اصفهان مانند بسیاری از کتاب‌فروشی‌های دیگر در سال‌های اخیر تلاش داشته است در کنار فروش کتاب، با برگزاری جلساتی درباره کتاب و کتاب‌خوانی در ترویج هرچه بیشتر این فرهنگ از شهر اصفهان نقش داشته باشد. دعوت از دستخسان، تسهیلگران، نویسندگان و استادان دانشگاه نیز در همین راستا انجام می‌شود. باین‌همه اکنون بعد از گذشت نزدیک به سه هفته این باتوق فرهنگی همچنان در وضعیت پلمب به سر می‌برد.

^[1] صفحه ۱۱